



بررسی تطبیقی دیدگاه کلامی دو مکتب قم و بغداد

درباره تجهیز امام معصوم (علیه السلام)

(مطالعه موردی: تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام))

دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۳

سعید توفیق^۱، وجیهه میری^۲

چکیده

تجهیز امام معصوم (علیه السلام) متوفی به دست امام معصوم در قید حیات یکی از مباحثی است که در اندیشه کلامی و فقهی شیعه مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشتار به شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی تطبیقی باور اعتقادی دو مکتب قم و بغداد در این خصوص پرداخته می‌شود. با بررسی رویکرد و دیدگاه دو مکتب قم و بغداد روشن می‌شود که مکتب قم با تعبد و التزام به روایات، تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم بعدی را به عنوان قاعده‌ای قطعی، تغییرناپذیر و فرازمانی و فرامکانی می‌شناسد؛ حال آنکه فقهای متکلم مکتب بغداد برخلاف فقهای محدث مکتب قم، نه تنها روایات وارد شده در خصوص تجهیز معصوم را در حوزه اخبار آحاد قرار می‌دهند؛ بلکه قطعیت و تغییرناپذیری این مسئله را به عنوان یک قاعده مسلم کلامی و فقهی نمی‌پذیرند. مکتب بغداد ضمن آنکه اولویت تجهیز معصوم را به دست معصوم بعدی پذیرفته است، اما آن را به درجه‌ای از قطعیت ارتقا نداده است تا در صورتی که برای امام زنده در تجهیز امام متوفی موانع و محدودیت‌هایی به وجود آمد، همچنان خود را ملتزم و متعبد به این قاعده بداند. مکتب متکلمان و محققان، قائل به تجهیز امام حسین، امام کاظم و امام رضا (علیه السلام) به دست معصوم بعدی نیست. از گزارش‌های تاریخی نیز چنین درک می‌شود که متولی تجهیز امام رضا (علیه السلام) عموی ایشان محمدبن جعفر الصادق (علیه السلام) بوده است.

کلیدواژه‌ها: مکتب قم، مکتب بغداد، تجهیز معصوم، امام رضا (علیه السلام)، ابن بابویه (شیخ صدوق)، شریف مرتضی.

۱. دانش‌آموخته دکترای تاریخ شیعه، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): Tofigh_saeed@yahoo.com

۲. محقق پسا دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان: Vajiheh.miri@gmail.com

۱. مقدمه

غسل جنازه امام معصوم (علیه السلام) یکی از مسائلی است که درباره دامنۀ کلامی و فقهی آن تا عصر حاضر تدقیق و تأمل شده است. روایاتی در مصادر حدیثی شیعه به این مطلب اشاره دارد که غسل، کفن و دفن انبیا، حضرت رسول ﷺ و اهل البیت (علیهم السلام) آن حضرت به عهده اوصیای پس از آنان است. آن گونه که مسئله انحصار غسل و کفن امام معصوم به دست امام معصوم بعدی و اقامۀ نماز میت امام متوفی توسط امام معصوم در قید حیات، به عنوان یک قاعدۀ فقهی و کلامی قطعی در اندیشۀ شیعی شناخته شد. از میان اهل البیت (علیهم السلام)، تنها در خصوص تجهیز امام حسین، امام کاظم، امام رضا و حضرت صاحب الامر (علیهم السلام) مسئله متفاوت از قاعدۀ مذکور به نظر می رسد. در این جستار می کوشیم از بین امامان نامبرده، غسل و نماز میت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را از دیدگاه دو مکتب اصلی اثناعشری که بعد از دوره حضور اهل البیت (علیهم السلام) و در بازۀ تاریخی دو قرن نخستین عصر غیبت (۲۶۰ تا ۴۶۰ هجری) بر مراکز علمی و محیط فکری شیعه چیره بودند، یعنی مکتب قم (اهل الحدیث) و مکتب بغداد (متکلمان و محققان) بررسی کنیم.

مکتب قم (اهل الحدیث) همت خود را بر جمع آوری احادیث اهل البیت و ضبط و حفظ آن مصروف می داشته است. در واقع این رویکرد مکتب قم، همان استمرار خط نقل احادیث اهل البیت (علیهم السلام) در زمان حضور ایشان توسط اصحاب آنان بود. هواداران این مکتب عموماً با اجتهاد به صورت یک عمل و کوشش فکری بر اساس استنباط تعقلی میانه ای نداشتند و حتی استدلالات عقلی کلامی را که برای تقویت مذهب و در حمایت از نظریات شیعی به کار میرفت محکوم کردند (ابن بابویه، ۱۴۳۲ ق: ۷۲-۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱، ج: ۴۹، ۸۸).

مکتب بغداد (متکلمان و محققان) روشی سختگیرانه در برخورد با احادیث داشتند و هر روایتی را نمی پذیرفتند و به هر خبری نیز استناد نمی کردند. از نظر متکلمان عقل گرا، آنچه پشتوانه و حجت بخش ادله نقلی است، معرفت عقلی و ادله مبتنی بر عقل است؛ از این رو عقل گرایان، علاوه بر ارزیابی احادیث، به عقل و دلیل عقلی، بیشتر توجه می کردند و خبر واحد را نیز تنها در فقه عملی و احکام، معتبر می دانستند. حال آنکه مکتب قم در تبیین

عقاید و معارف اسلامی التفات خاصی به حدیث و خبر واحد داشتند (السبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۲۰۰). در این پژوهش سعی بر آن است که به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به مصادر حدیثی، کلامی و تاریخی به دو پرسش اساسی پاسخ دهیم:

۱. رویکرد و دیدگاه هر یک از دو مکتب قم و بغداد در خصوص غسل و نماز میت امام معصوم و مشخصاً علی بن موسی الرضا (علیه السلام) چگونه بوده است؟

۲. مصادر تاریخی، دیدگاه کدام یک از دو مکتب قم و بغداد را در خصوص تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) تأیید می کند؟

بعضی مورخان معاصر که در خصوص حیات امام رضا (علیه السلام) با رویکردی عقل گرایانه کتاب‌های تحقیقی به نگارش درآوردند یا همانند مؤلف کتاب «حياة الإمام موسى بن جعفر دراسة و تحليل» معتقدند که مأمون عهده‌دار تجهیز و کفن امام رضا (علیه السلام) شد (القرشی، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۳۹۴)، یا همانند مؤلف کتاب «الإمام الرضا، تاريخ و دراسة» به استناد مصادر صرفاً از حضور جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) بر سر جنازه امام رضا (علیه السلام) سخن به میان آورده‌اند و درباره تجهیز امام (علیه السلام) تحلیلی تاریخی ارائه نمی‌دهند (فضل الله، ۱۳۹۳ق: ۱۶۶-۱۶۷)، یا همچون مؤلف الحیة السیاسیة للإمام الرضا در خصوص تجهیز امام رضا (علیه السلام) به دست امام جواد (علیه السلام) با رعایت جانب احتیاط از ابراز نظر امتناع ورزیده، سکوت اختیار نموده‌اند (العاملی، ۱۴۰۶ق: ۴۲۵-۴۲۸). با توجه به این که مطالعات تاریخی معاصر در پرداختن به موضوع تجهیز امام رضا (علیه السلام) اهتمام جدی از خود نشان نداده‌اند؛ بنابراین پژوهش فعلی پیشینه‌ای مستقل و روشمند ندارد. با وجود این، اشاره به مقاله بازشناسی حدیث «الْإِمَامُ لَا يُعَسَّلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ» در گفتمان واقفیه و امامیه خالی از فایده نیست. اگرچه مؤلفان این مقاله درباره تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به نظر شیخ مفید تمایل نشان می‌دهند (حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)، اما در جمع‌بندی موضوع بدون آنکه بین نظر علمای ممتاز شیعه، تفکیک جدی قائل شوند، ناخودآگاه تصور کرده‌اند تمامی علمای نامدار شیعه این روایت را نقل کرده و پذیرفته‌اند (همان: ۱۱۸).

اهمیت و ارزش این تحقیق در آن است که در یک مطالعه تاریخی، تجهیز امام معصوم

متوفی به دست امام معصوم در قید حیات را که نزد اخباریون شیعه به یک اصل قطعی و بی چون و چرا ارتقا یافته بود، به کمک نقدگرایی از مرتبه قطعیت بی چون و چرا تنزل دهد، از آن قرائتی خردگرایانه ارائه نماید. ساختارشکنی این مقاله در مواجهه با گفتمان اخباری، می تواند در تفسیر عقلانی از روایت تجهیز امام به دور از افراط و تفریط جریان ساز واقع شود و راه خُرده گیری مخالفان را بر آموزه های اعتقادی شیعیان ببندد. نوآوری این مقاله در آن است که به استناد مصادر تاریخی و در راستای دیدگاه علمای مکتب بغداد، به ویژه سیدمرتضی علم الهدی، تجهیز امام رضا علیه السلام به دست امام جواد علیه السلام را مردود شمرده؛ تجهیز آن حضرت توسط عموی ایشان یعنی محمد بن جعفر الصادق علیه السلام را اقوی و ارجح ارزیابی می نماید.

با توجه به این که موضوع اصلی این مقاله، بررسی تطبیقی دیدگاه کلامی دو مکتب قم و بغداد در خصوص تجهیز امام معصوم است، نخست کوشیده شده است از خلال بررسی تطبیقی دیدگاه این دو مکتب، نظر اقوی و ارجح در خصوص تجهیز امام رضا علیه السلام که موضوع فرعی این مقاله است، تبیین شود و در مرحله بعد دیدگاه مختار به پشتوانه تحلیل تاریخی مستدل و مبرهن گردد. مقصود از واژه «تجهیز» در این مقاله، چهار فعل غسل، کفن، نماز و دفن میت است. همچنین مقصود از «مصادر» نیز منابع دست اول و مادر است که تاریخ نگارش آن ها از مسئله مورد مطالعه فاصله چندانی ندارند و توجه به تقدم آن ها موجب افزایش اعتبار و ارزش تحقیق می شود.

۲. بررسی دیدگاه ها

یکی از مسائلی که بین دو مکتب قم و بغداد محل اختلاف است، مسئله «الإمام لَا یَغْسِلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام» است. گرچه این مسئله در نظر اول یک حکم فقهی به نظر می رسد، اما باید پذیرفت چنانچه این مسئله به عنوان یک قاعده قطعی و تغییر ناپذیر شناخته شود، برای اثبات قطعیت یا عدم قطعیت قاعده «الإمام لَا یَغْسِلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام» خواه ناخواه پای علم کلام به این موضوع گشوده می شود، زیرا ممکن است

در مراسم تجهیز امام متوفی، برای امام بعدی که متولی امر غسل، کفن، نماز و دفن امام متوفی است موانع و محدودیت‌های پیش آید، به گونه‌ای که امام متولی تجهیز امام متوفی نتواند امر تجهیز را بر عهده گیرد؛ بنابراین مسئله انحصار غسل و کفن امام معصوم به دست امام معصوم بعدی و اقامه نماز میت امام متوفی توسط امام معصوم در قید حیات، یک مسئله صرفاً فقهی نیست^۱ و پاسخگویی به این سؤال همچنان مهم می‌نماید در صورتی که امام معصوم به دلیل موانع و محدودیت‌ها نتواند متولی امر تجهیز امام متوفی شود، آیا قطعیت این قاعده همچنان پا برجاست؟ یا این قاعده فقهی نیز در شرایط خاص، همانند بعضی از قواعد فقهی دیگر مشمول استثنائاتی نیز می‌شود؟ و چنانچه قطعیت این حکم فقهی در شرایط خاص همچنان به قوت خود پا برجاست، تجهیز امام متوفی چگونه امکان‌پذیر است؟

برای رسیدن به جواب این سؤالات، رویکرد و دیدگاه دو مکتب قم و بغداد را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. رویکرد و دیدگاه مکتب قم

۲-۱-۱. رویکرد فقهی مکتب قم

نوشته‌های فقهی این گروه از محدثان، مجموعه‌ای از متون روایات است که به ترتیب موضوعی دسته‌بندی شده و گاهی سندهای روایات نیز حذف می‌شد (مدرسی طباطبائی، ۱۳۶۸: ۳۸). فقه‌های مکتب اهل الحدیث از نوشتن مطالب فقهی با عباراتی جز نص عبارات روایات مذهبی، هراس و وحشت داشتند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۲). با پذیرش این فرض که آنان گرچه قواعد و ضوابط اصول فقه را درباره حالات مختلف ادله ولو به صورت ساده آن می‌دانستند و حتی قسمتی از این ضوابط را که در روایات بدان‌ها

۱. پیوستگی میان پدیده‌های تاریخی و نظریه‌های حدیثی کلامی از مطالعات میان‌رشته‌ای است که لزوم غسل یا تجهیز هر امام توسط امام بعدی در این شمار است. مسئله تجهیز معصوم چهار دانش فقه، حدیث، کلام و تاریخ را به هم پیوند می‌دهد.

اشاره شده بود عملاً به کار می‌بستند^۱ (صلاة الجمعة، ۱۲۸/۴: ۹۷-۹۶)، با وجود این، هرگز به فکر جدا کردن فقه از حدیث و تدوین کتاب‌های فقهی مستقل برنیامدند و شیوه سنت‌گرایانه خود را حفظ نمودند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲). فقهای شاخص این مکتب محدثانی نظیر محمد بن یعقوب الکلینی (متوفی ۳۲۹ ق.)، محمد بن الحسن بن احمد بن الولید (متوفی ۳۴۳ ق.) و محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق.) هستند (طوسی: ۱۳۵، ۱۵۶، ۱۵۷).

۲-۱-۲. رویکرد کلامی مکتب قم

عالمان این مکتب همانند رویکردشان در مسائل فقهی، روش صحیح فهم، تقریر و تبیین معارف الهی و معتقدات اسلامی را رجوع به آیات قرآن و احادیث ائمه و استناد به آن‌ها می‌دانستند. آن‌گونه که نص‌گرایی، شاخصه اصلی این مکتب در پرداختن به مسائل اعتقادی تلقی می‌شد. مهم‌ترین اصول فکری متکلمان مکتب نقلی، به اختصار عبارت است از: ۱. باور به مرجعیت اخبار و احادیث در کشف و تبیین معارف دینی، به گونه‌ای که روایات را به جز در موارد اندک بدون جرح و تعدیل حدیثی نقل می‌کردند. ۲. اذعان به حجّیت خبر واحد و استناد به آن در تبیین مسائل کلامی. ۳. در کمترین حدّ ممکن به عقل تکیه می‌کردند؛ به گونه‌ای که هنگام تعارض دلیل عقلی با نقلی، دلیل نقلی را بر دلیل عقلی ترجیح می‌دادند و مقدم می‌کردند (عطائی نظری، ۱۳۹۷: ۱۲).

روشن شد که رویکرد فقهی و کلامی مکتب قم چنین است: مادامی که احادیث اهل بیت در اختیار آنان قرار دارد و احکام فقهی و مسائل اعتقادی بر اساس آن‌ها قابل شناخت و تبیین است، نیازی به رجوع و استناد به عقل و استدلال‌های عقلی خطاپذیر نیست. موضوع مهم‌تر آنکه مکتب قم در تبیین احکام فقهی و عقاید کلامی، اخبار آحاد را همانند اخبار متواتر و اخبار محفوف به قراین، مفید علم، حجت و یقین‌آور می‌دانستند؛

۱. «و قدینسبون هؤلاء الجهلة وهمهم إلى القدماء کابن بابویه و غیره حیث أنّهم لا ینکروا فی کتبهم هذه الفروع الفقهیه و لم یدروا أنّه لا یلزم من عدم الذکر انکار ... مع انّ ابن بابویه ایضاً ربما ذکر فی الفقیه، فتاوی من قبیل اجتہادات المتأخرین، بل ما یفعله المتأخرون» (صلاة الجمعة، ۱۲۸/۴: ۹۷-۹۶).

دیدگاه مکتب قم در خصوص تجهیز امام متوفی، تابع رویکرد فقهی کلامی این مکتب بود؛ آن گونه که درباره غسل، کفن، نماز و دفن امام معصوم نیز نص گرا و بر پایه احادیث بود. در نتیجه شاهد آنیم که صاحب کتاب «بصائر الدرجات» (متوفی ۲۹۰ ق.) با نقل حدیثی، دامنه فقهی کلامی تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم بعدی را به همه معصومین از حضرت رسول ﷺ تا امام دوازدهم ﷺ توسعه و تعمیم داده است (الصفار، ۱۴۰۴ ق: ۲۲۵). پس از وی، محمد بن یعقوب الکلینی در کتاب «الأصول من الکافی» خود، بابی را به نام «الإِمَامُ لَا يَغْسِلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ (ع)» اختصاص داد و در آن روایات موجود در این زمینه را نقل کرد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۸۴-۳۸۵). سرانجام شیخ صدوق برجسته ترین نماینده مکتب قم، در خصوص تجهیز علی بن موسی الرضا (ع) با استناد به روایتی معتقد است امام جواد (ع) که در آن هنگام هشت ساله بود و در مدینه اقامت داشت، برای غسل پدر و اقامه نماز میت بر آن حضرت در طوس حضور یافت^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۴۳-۲۴۴؛ ۱۳۷۶ ق: ۶۶۳).

١٠. « فَخَرَجَ ﷺ مَغْطًى الرَّأْسِ قَلَمَ أَكْلَمَهُ حَتَّى دَخَلَ الدَّارَ فَأَمَرَ أَنْ يُنْقَلَ الْبَابُ فَلَقِيَ ثُمَّ نَامَ ﷺ عَلَى فِرَاشِهِ وَ مَكَثَتْ وَقْفًا فِي صُخْرِ الدَّارِ مَهْمُومًا مَحْزُونًا فَبَيْنَمَا أَكْدَكَ ذَا دَخَلَ عَلَى شَابٍ حَسَنٍ الْوَجْهَ قَطَطِ الشَّعْرِ أَشْبَهَ النَّاسَ بِالْإِصْبَاحِ ﷺ فَبَادَرَتْ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ مَنْ أَنْ دَخَلْتُ وَ الْبَابُ مُغْلَقٌ فَقَالَ الَّذِي جَاءَ بِي مِنَ الدَّيْنَةِ فِي هَذَا الْوَقْتُ هُوَ الَّذِي أَذْخَلَنِي الدَّارَ وَ الْبَابُ مُغْلَقٌ فَقُلْتُ لَهُ وَ مَنْ أَنْتَ فَقَالَ لِي أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الصَّلْتِ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ مَضَى نَحْوَ أَبِيهِ ﷺ وَ أَزْمَنِي بِالْدَّخُولِ مَعَهُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ الرِّضَا ﷺ وَ تَبَّ إِلَيْهِ فَعَانَقَهُ وَ ضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ سَجَّحَ سَجْدًا إِلَى فِرَاشِهِ وَ أَكْبَلَ عَلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يَاقِلُهُ وَ يَسْرَاهُ وَ يَتْلُوهُ وَ رَأَيْتُ عَلَيْهِ لِسْفَتِي الرِّضَا ﷺ يَزِيدًا أَشَدَّ نَبَاضًا مِنْ الْكَلْبِ وَ رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ يَلْحَظُهُ بِلِسَانِهِ ثُمَّ أَذْخَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ ثَوْبَةً وَ صَدْرَهُ فَاسْتَرْجَمَ لَمْ شَيْئًا سِوَهَا بِالْعُفُوفِ فَأَيَّلَنَاهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ وَ مَضَى الرِّضَا ﷺ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ قُمْ يَا أَبَا الصَّلْتِ ابْتَدِئِ بِالْمُغْتَسِلِ وَ الْمَاءُ مِنَ الْخِزَانَةِ فَقُلْتُ مَا فِي الْخِزَانَةِ مُغْتَسِلٌ وَ لَا مَاءَ وَ قَالَ لِي ابْنُهُ إِلَى مَا أَمُرُكَ بِهِ فَدَخَلْتُ الْخِزَانَةَ فَبَإِذَا فِيهَا مُغْتَسِلٌ وَ مَاءٌ فَأَخْرَجْتُهُ وَ شَفَرْتُ تَبَاطُيَ لَكُمْسَلَةٍ فَقَالَ لِي تَنَنِّخْ يَا أَبَا الصَّلْتِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ بَيْنَعَيْنِي شَيْءٌ فَفَسَلَهُ ثُمَّ قَالَ لِي ادْخُلِ الْخِزَانَةَ فَأَخْرَجَ إِلَيَّ النِّسْطَ الَّذِي فِيهِ كَفَنُهُ وَ حُوبَلُهُ فَدَخَلْتُ فَإِذَا أَنَا بِسُطَّافٍ لَمْ أَرَهُ فِي بَلَدِكَ الْخِزَانَةَ قَطَّ حَمَلْتُهُ إِلَيْهِ فَكَفَنْتُهُ وَ صَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِي ابْتَدِئِ بِالْتَّوْبَاتِ فَقُلْتُ أَمْضِ إِلَيَّ التَّوْبَاتِ حَتَّى يَصِلُحَ الْوُضُوءُ قَالَ قُمْ فَإِنْ فِي الْخِزَانَةِ تَابَاتٌ فَادْخُلْ فَادْخُلْتُ الْخِزَانَةَ فَوَجَدْتُ تَابَاتًا لَهُ أَرَقَطَ فَأَتَيْنَاهُ بِهِ فَأَخَذَ الرِّضَا ﷺ بَعْدَ مَا صَلَّى عَلَيْهِ فَوَضَعَهُ فِي التَّابَاتِ وَ صَوَّفَ قَدَمَيْهِ وَ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَفْرُغُ مِنْهُمَا حَتَّى عَلَا الثَّوْبُ وَ انْشَقَّ الشَّعْفُ فَخَرَجَ مِنْهُ التَّابُوتُ وَ مَضَى فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّاعَةَ يَجْعَلُنِي أَمَامُونَ وَ يُطَابِلُنِي بِالرِّضَا ﷺ فَمَا نَضَعُ فَقَالَ لِي اسْكُتْ فَإِنَّهُ سَيَعُودُ يَا أَبَا الصَّلْتِ مَا مِنْ نَبِيٍّ يَمُوتُ بِالْمَشْرِقِ وَ يَمُوتُ وَصِيَّهُ بِالْمَغْرِبِ إِلَّا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَ أَرْوَاحِهِمَا وَ أَجْسَادِهِمَا وَ مَا أَنْتَ الْحَدِيثُ حَتَّى انْشَقَّ الشَّعْفُ وَ نَزَلَ التَّابُوتُ فَقَامَ الرِّضَا ﷺ فَلَا تَسْرُجُ الرِّضَا ﷺ مِنَ التَّابُوتِ وَ وَضَعَهُ عَلَى فِرَاشِهِ كَأَنَّهُ لَمْ يَغْتَسِلْ وَ لَمْ يَكْفُنْ ثُمَّ قَالَ لِي يَا أَبَا الصَّلْتِ قُمْ فَافْتَحِ الْبَابَ لِلْأَمَامُونَ فَفَتَحْتُ الْبَابَ فَإِذَا الْأَمَامُونَ وَ الْعُلَمَاءُ بِالْبَابِ دَخَلُوا بَابِكَا خَرِبْنَا قَدْ شَقَّ حَبِيبُهُ وَ لَطَمَ رَأْسَهُ وَ هُوَ يَقُولُ يَا سَيِّدَاهُ جُعِجْتُ بِكُمْ يَا سَيِّدِي ثُمَّ دَخَلَ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ قَالَ خُدَاوِي فَخَرَجَ الْفَقِيرُ فَحَفَرْتُ الْمَوْضِعَ فَطَهَّرْتُ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ ثُمَّ وَضَعْتُ الرِّضَا ﷺ فِيهِ (ص: ١٢٧، ج: ٢٢٢، ٢٢٣، ٢٢٤، ٢٢٦، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٢٩، ٢٣٠، ٢٣١، ٢٣٢، ٢٣٣، ٢٣٤، ٢٣٥، ٢٣٦، ٢٣٧، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤٠، ٢٤١، ٢٤٢، ٢٤٣، ٢٤٤، ٢٤٥، ٢٤٦، ٢٤٧، ٢٤٨، ٢٤٩، ٢٥٠، ٢٥١، ٢٥٢، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٥٥، ٢٥٦، ٢٥٧، ٢٥٨، ٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦١، ٢٦٢، ٢٦٣، ٢٦٤، ٢٦٥، ٢٦٦، ٢٦٧، ٢٦٨، ٢٦٩، ٢٧٠، ٢٧١، ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٤، ٢٧٥، ٢٧٦، ٢٧٧، ٢٧٨، ٢٧٩، ٢٨٠، ٢٨١، ٢٨٢، ٢٨٣، ٢٨٤، ٢٨٥، ٢٨٦، ٢٨٧، ٢٨٨، ٢٨٩، ٢٩٠، ٢٩١، ٢٩٢، ٢٩٣، ٢٩٤، ٢٩٥، ٢٩٦، ٢٩٧، ٢٩٨، ٢٩٩، ٣٠٠، ٣٠١، ٣٠٢، ٣٠٣، ٣٠٤، ٣٠٥، ٣٠٦، ٣٠٧، ٣٠٨، ٣٠٩، ٣١٠، ٣١١، ٣١٢، ٣١٣، ٣١٤، ٣١٥، ٣١٦، ٣١٧، ٣١٨، ٣١٩، ٣٢٠، ٣٢١، ٣٢٢، ٣٢٣، ٣٢٤، ٣٢٥، ٣٢٦، ٣٢٧، ٣٢٨، ٣٢٩، ٣٣٠، ٣٣١، ٣٣٢، ٣٣٣، ٣٣٤، ٣٣٥، ٣٣٦، ٣٣٧، ٣٣٨، ٣٣٩، ٣٤٠، ٣٤١، ٣٤٢، ٣٤٣، ٣٤٤، ٣٤٥، ٣٤٦، ٣٤٧، ٣٤٨، ٣٤٩، ٣٥٠، ٣٥١، ٣٥٢، ٣٥٣، ٣٥٤، ٣٥٥، ٣٥٦، ٣٥٧، ٣٥٨، ٣٥٩، ٣٦٠، ٣٦١، ٣٦٢، ٣٦٣، ٣٦٤، ٣٦٥، ٣٦٦، ٣٦٧، ٣٦٨، ٣٦٩، ٣٧٠، ٣٧١، ٣٧٢، ٣٧٣، ٣٧٤، ٣٧٥، ٣٧٦، ٣٧٧، ٣٧٨، ٣٧٩، ٣٨٠، ٣٨١، ٣٨٢، ٣٨٣، ٣٨٤، ٣٨٥، ٣٨٦، ٣٨٧، ٣٨٨، ٣٨٩، ٣٩٠، ٣٩١، ٣٩٢، ٣٩٣، ٣٩٤، ٣٩٥، ٣٩٦، ٣٩٧، ٣٩٨، ٣٩٩، ٤٠٠، ٤٠١، ٤٠٢، ٤٠٣، ٤٠٤، ٤٠٥، ٤٠٦، ٤٠٧، ٤٠٨، ٤٠٩، ٤١٠، ٤١١، ٤١٢، ٤١٣، ٤١٤، ٤١٥، ٤١٦، ٤١٧، ٤١٨، ٤١٩، ٤٢٠، ٤٢١، ٤٢٢، ٤٢٣، ٤٢٤، ٤٢٥، ٤٢٦، ٤٢٧، ٤٢٨، ٤٢٩، ٤٣٠، ٤٣١، ٤٣٢، ٤٣٣، ٤٣٤، ٤٣٥، ٤٣٦، ٤٣٧، ٤٣٨، ٤٣٩، ٤٤٠، ٤٤١، ٤٤٢، ٤٤٣، ٤٤٤، ٤٤٥، ٤٤٦، ٤٤٧، ٤٤٨، ٤٤٩، ٤٥٠، ٤٥١، ٤٥٢، ٤٥٣، ٤٥٤، ٤٥٥، ٤٥٦، ٤٥٧، ٤٥٨، ٤٥٩، ٤٦٠، ٤٦١، ٤٦٢، ٤٦٣، ٤٦٤، ٤٦٥، ٤٦٦، ٤٦٧، ٤٦٨، ٤٦٩، ٤٧٠، ٤٧١، ٤٧٢، ٤٧٣، ٤٧٤، ٤٧٥، ٤٧٦، ٤٧٧، ٤٧٨، ٤٧٩، ٤٨٠، ٤٨١، ٤٨٢، ٤٨٣، ٤٨٤، ٤٨٥، ٤٨٦، ٤٨٧، ٤٨٨، ٤٨٩، ٤٩٠، ٤٩١، ٤٩٢، ٤٩٣، ٤٩٤، ٤٩٥، ٤٩٦، ٤٩٧، ٤٩٨، ٤٩٩، ٥٠٠، ٥٠١، ٥٠٢، ٥٠٣، ٥٠٤، ٥٠٥، ٥٠٦، ٥٠٧، ٥٠٨، ٥٠٩، ٥١٠، ٥١١، ٥١٢، ٥١٣، ٥١٤، ٥١٥، ٥١٦، ٥١٧، ٥١٨، ٥١٩، ٥٢٠، ٥٢١، ٥٢٢، ٥٢٣، ٥٢٤، ٥٢٥، ٥٢٦، ٥٢٧، ٥٢٨، ٥٢٩، ٥٣٠، ٥٣١، ٥٣٢، ٥٣٣، ٥٣٤، ٥٣٥، ٥٣٦، ٥٣٧، ٥٣٨، ٥٣٩، ٥٤٠، ٥٤١، ٥٤٢، ٥٤٣، ٥٤٤، ٥٤٥، ٥٤٦، ٥٤٧، ٥٤٨، ٥٤٩، ٥٥٠، ٥٥١، ٥٥٢، ٥٥٣، ٥٥٤، ٥٥٥، ٥٥٦، ٥٥

رویکرد نقل‌گرایشی شیخ ابوجعفر محمد بن الحسن الصفار در کتاب «بصائر الدرجات» در بیان غسل، کفن و نماز میت معصوم متوفی به دست معصوم بعدی به کتب حدیثی متأخر نظیر «الخرائج و الجرائح» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۷۷۸-۷۷۹)، «طرف من الأنباء و المناقب» (ابن طاووس، ۱۴۲۰ق: ۵۸۱-۵۸۲)، «مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر» (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۷-۴۸ / ج ۴: ۲۱۸-۲۱۹)، «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲: ۵۱۳، ج ۲۷: ۲۸۹-۲۹۰)، «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۲۵۶-۲۵۸)، «تفسیر نور الثقلین» (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۶۴۰-۶۴۱)، «منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل» (القمی، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۱۷۰۷-۱۷۱۳) سرایت نمود. همچنین دیدگاه مکتب قم در زمینه تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به دست امام جواد (علیه السلام) که به صورت مشخص در دو کتاب عیون أخبار الرضا و الأمالی شیخ صدوق نقل شده است در مصادر بعدی همچون عیون المعجزات (ابن عبد الوهاب: ۱۱۳)، «روضة الواعظین و بصیرة المتعظین» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ق، ج ۱: ۲۲۹-۲۳۱)، «إعلام الوری بأعلام الهدی» (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۴۱-۳۴۳)، «الثاقب فی المناقب» (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق: ۴۸۹-۴۹۱)، «مناقب آل أبیطالب» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۴۰۴)، «الدُرُ النظیم فی مناقب الأئمة اللّهامیم» (الشامی، ۱۴۲۰ق: ۶۹۴-۶۹۵)، «كشف الغمة فی معرفه الأئمة» (إربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۸۴۶-۸۴۷)، «مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين (علیه السلام)» (حافظ البرسی، ۱۴۲۲ق: ۱۴۹-۱۵۱)، «إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات» (حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۴: ۳۴۳، ۳۹۶-۳۹۷) نیز دنبال شده است.

۲-۲. رویکرد دیدگاه مکتب بغداد

۲-۲-۱. رویکرد فقهی مکتب بغداد

در مقابل روش‌های تقلیدی مدرسه قم که تقریباً به صورت کامل به اخبار و روایات متشبه می‌شد، در بغداد یک گرایش اجتهادی به وجود آمد که فقه را با واقعیات منطبق

می‌کرد (ابراهیم، ۱۴۳۳ق: ۱۵-۱۶). آن گونه که در مکتب بغداد، کمال عقل، اجتهاد و رأی به عنوان یکی از شاخصه‌های مجتهدین امامی که از جانب حضرت صاحب الامر (علیه السلام) عهده‌دار تنفیذ احکام شرعی هستند، معرفی شده است (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق: ۴۲۱). از این رو، فقه مکتب بغداد بر قواعد کلی قرآنی و احادیث مسلم و مشهور (متواترات) استوار بود؛ لیکن روایاتی را که شیعیان از امامان خود نقل می‌کردند و صحت انتساب آن‌ها قطعی نبود (أخبار الآحاد) بی اعتبار می‌دانستند؛ و به جای آن بر نظرات مشهور و متداول میان شیعه که عمل طائفه بر اساس آن بود (الإجماعات) تکیه می‌نمود. استنباط احکام شرعی از منابع مزبور بر اساس روش استدلالی و تحلیلی و عقلی انجام می‌پذیرفت که متکلمان به خاطر درگیری روزمره با تفکر و استدلال و بحث و مناظره با قواعد و شیوه‌های آن به درستی آشنا و در به کار بستن آن ورزیده و ماهر بودند. مشخصه اصلی مکتب متکلمان، تأکید آنان بر بی اعتباری احادیث به خودی خود بود (مدرسی طباطبائی، ۱۳۶۸: ۴۷-۴۸). آن گونه که شیخ مفید در دو کتاب خود یعنی التذکرة بأصول الفقه و تصحیح اعتقادات الإمامیه (مفید، ۱۴۱۳ق، ب: ۳۸، ۴۴-۴۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج: ۴۹)، شریف مرتضی در الذریعه إلى أصول الشریعه (علم الهدی، ۱۳۷۶ق، ج: ۲، ۵۵۵)، و شاگردان آن دو نیز بر این نکته تکیه کردند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۴ق: ۳۰۸؛ ابن براج، ۱۴۱۱ق: ۵۸؛ کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج: ۲، ۲۰۸؛ شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق: ۵).

۲-۲-۲. رویکرد کلامی مکتب بغداد

عالمان این مکتب با اتخاذ روش و رویکرد عقلی، مسائل کلامی را بررسی و تبیین می‌کردند. متکلمان عقل‌گرا، استناد به بسیاری از روایات و احادیث را صحیح ندانسته؛ در نتیجه ناگزیر از رجوع به عقل و استدلال‌های عقلی در مباحث کلامی شدند. از نظر عالمان مکتب بغداد، آنچه پشتوانه و حجّیت بخش به ادله نقلی است، معرفت عقلی و ادله مبتنی بر عقل است و به همین دلیل معرفت و دلیل عقلی، مقدم بر معرفت و دلیل نقلی است. از این رو، برخلاف مکتب قم هنگام تعارض دلیل نقلی با دلیل عقلی، حکم

به طرد دلیل نقلی و اخذ دلیل عقلی می نمودند^۱ (مفید، ۱۴۱۳ق، ج: ۱۴۹). متکلمان عقل گرا به شدت منکر حجیت خبر واحد در حوزه اعتقادات بوده اند و استفاده از آن را در مسائل عقیدتی جایز نمی دانسته اند. به باور این دسته از متکلمان، از آنجا که از یک سو در مسائل اعتقادی، باید برای انسان باور یقینی و قطعی حاصل شود؛ بنابراین در این مسائل فقط ادله یقین آور حجت است و از سوی دیگر خبر واحد در صورت معتبر بودن، تنها مفید ظن است و یقین آور نیست. در نتیجه، خبر واحد حجت نیست و استناد به آن در مسائل اعتقادی جایز نیست (عطائی نظری، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۶).

۲-۳. دیدگاه مکتب بغداد

دیدگاه مکتب بغداد در خصوص تجهیز امام متوفی نیز تحت تأثیر رویکرد عقل گرایانه این مکتب قرار داشت. بر خلاف فقهای محدث مکتب قم که قاعده فقهی کلامی «الْإِمَامُ لَا يَغْسِلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ (ع)» را به صورت مطلق و بی چون و چرا پذیرفته بودند، فقهای متکلم مکتب بغداد نه تنها این قاعده را قطعی و تغییرناپذیر نمی دانستند، بلکه معتقد بودند در شرایطی که برای امام متولی تجهیز امام متوفی، موانع و محدودیت های پیش آید، دیگر مسلمانان می توانند تجهیز امام متوفی را به عهده گیرند؛ اگرچه بی تردید اولویت تجهیز امام معصوم متوفی با امام معصوم در قید حیات است.

محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق.) نخستین فقیه متکلم مکتب بغداد، در کتاب «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» خود، لزوم قطعی تجهیز امام معصوم متوفی به دست امام معصوم در قید حیات را نمی پذیرد و در خصوص امام حسین، امام کاظم و امام رضا (ع) که تجهیز ایشان توسط معصوم جانشین آنان محل تردید است، برخلاف فقهای محدث مکتب قم تجهیز این حضرات را به دست مسلمانان دیگر می داند. شیخ مفید می گوید که پس از خروج ابن سعد از کربلا، گروهی از بنی اسد که در غاصریه بودند، نزد اجساد حسین (ع) و یارانش آمده و بر آنان نماز گزارده و آنان را

۱. «إن وجدنا حديثا يخالف أحكام العقول أطر حناه لقضية العقل بفساده» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج: ۱۴۹).

دفن کردند^۱ (مفید، ۱۴۱۳ ق، الف، ج ۲: ۱۱۴). همچنین درباره امام کاظم (علیه السلام) می نویسد که چون هنگام وفات آن حضرت رسید از سندی بن شاهک خواست که دوستی که آن حضرت در بغداد داشت و از اهل مدینه بود و خانه او نزدیک خانه عباس بن محمد در مشرعة القصب بود، حاضر کند که سرپرست غسل و کفن آن حضرت باشد و او انجام داد (همان: ۲۴۳).

شیخ مفید در خصوص تجهیز علی بن موسی الرضا که موضوع این نوشتار است، می نویسد: چون حضرت رضا (علیه السلام) به شهادت رسید مأمون يك شبانه روز مرگ آن حضرت را پنهان کرد، سپس به نزد محمد بن جعفر (عموی آن حضرت) و گروهی از خانواده و دودمان ابی طالب که در خراسان بودند فرستاده و چون حاضر شدند خبر مرگ آن حضرت را به ایشان داد و گریست و بسیار در مرگ آن حضرت بی تابی از خود نشان داد و جنازه آن بزرگوار را صحیح و سالم نشان ایشان داده، آن گاه خطاب به جسد امام کرده گفت: ای برادر! بر من دشوار است تو را در این حال ببینم، من آرزو داشتم که پیش از تو بمیرم (و تو جانشین من باشی) ولی خدا نخواست، سپس دستور داد آن حضرت را غسل داده کفن و حنوط کنند (همان: ۲۷۱).

شاگرد و جانشین شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی (متوفی ۴۳۶ ق.) که برجسته ترین نماینده مکتب بغداد بود و عقل گرایی در این مکتب با وی به اوج خود رسید،^۲ به صراحت از تفکیک دو مکتب بغداد از قم با نام «متکلمان و محققان» در برابر «اصحاب الحدیث»

۱. افزون بر شیخ مفید، پیش از وی مؤلفان مصادری نظیر «مقتل الحسین و مصرع اهل بینه و أصحابه فی كربلاء» (متوفی ۱۵۷ ق.)، «أنساب الأشراف» (متوفی ۲۷۹ ق.)، الأخبار الطوال (متوفی ۲۸۲ ق.)، تاریخ الأمم و الملوك (متوفی ۳۱۰ ق.)، مروج الذهب و معادن الجواهر (متوفی ۳۴۶ ق.) می نویسند: ساکنان غاضیه از قبیله بنی اسد، حسین (علیه السلام) و یارانش را یک روز پس از شهادتشان به خاک سپردند (ابومخنف، ۴۰۸ ق: ۱۵۷-۱۵۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ج ۲: ۲۰۵؛ دینوری، ۱۳۶۸ ق: ۲۶۰؛ طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵: ۴۵۵؛ المسعودی، ۴۰۹ ق، الف، ج ۳: ۶۳). پس از شیخ مفید نیز مؤلفین مصادری نظیر مقتل الحسین (متوفی ۵۶۸ ق.)، مناقب آل أبیطالب (متوفی ۵۸۸ ق.)، الکامل فی تاریخ (متوفی ۶۳۰ ق.)، اللهوف فی قتلی الطفوف (متوفی ۶۶۴ ق.)، البداية و النهایة (متوفی ۷۷۴ ه) می نویسند: هنگامی که ابن سعد از كربلا فاصله گرفت، گروهی از بنی اسد بیرون آمدند و بر آن پیکرهای پاک خون آلود، نماز خواندند و آن ها را در همین جایی که اکنون هستند، به خاک سپردند (الخوارزمی، ۱۴۱۸ ق: ج ۲: ۴۴؛ ابن شهر آشوب، ۴۱۲ ق: ج ۴: ۱۲۱؛ ابن اثیر، ۳۸۵ ق: ج ۴: ۸۰؛ ابن طباووس، ۱۴۱۴ ق: ۸۵؛ ابن کثیر، ۴۰۷ ق: ج ۸: ۱۸۹). آنچه در اثبات نظری دیدگاه مکتب بغداد از همه این مصادر مهم تر می نماید، گزاره ای است که در زیارت ناحیه مقدسه که مسلماً از سوی حضرت صاحب الامر (علیه السلام) صادر شده و در کتب متقدمان و علمای شیعه از زمان های دور تاکنون، ثبت و ضبط شده، آمده است: «السلام علی مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى» (مفید، ۴۳۴ ق: ۲۷۳؛ ابن المشهدی، ۳۷۸ ق: ۴۹۹؛ ابن طباووس، ۱۴۱۶ ق: ۲۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹: ۳۱۷، ۳۲۸).
۲. آن گونه که سیدمرتضی در مقایسه با استادش شیخ مفید که معتقد بود عقل بدون کمک سمع، ناتوان از دستیابی به معرفت دینی است، بر این باور بود که باید خداوند را تنها با عقل شناخت (علم الهدی، ۱۴۱۹ ق: ۱۲۵؛ ج ۱: ۱۲۷-۱۲۸).

یاد می‌کند (علم‌الهدی، ج ۱: ۲۶-۲۷). حملات وی و استادش شیخ مفید بر مکتب قم، این مکتب را در سرایشی زوال و انقراض قرار داد؛ آن‌گونه که از این کشمکش سخت میان دو مکتب شیعی در برخی از مأخذ قدیم سخن رفته است (الشهرستانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۶۶؛ رازی قزوینی، ۱۳۵۸ق: ۵۶۸). بر همین اساس، شریف مرتضی نیز بر موضع مکتب قم در پذیرش تمام عیار قاعده تجهیز امام متوفی به دست امام معصوم در قید حیات به شدت تاخت.

سیدمرتضی در پاسخ به پرسشی که از او در زمینه تجهیز امام معصوم به دست معصوم دیگر شده بود، روشن می‌سازد که این روایت خبر واحد است که موجب علم نمی‌گردد و به استناد آن نمی‌توان با قطعیت سخن گفت^۱ و با فرض پذیرش درستی این روایت، امام معصوم تنها در صورت امکان و قدرت بر تولی امر تجهیز امام متوفی، آن را برعهده می‌گیرد. سیدمرتضی در برابر باور مکتب قم، برای تبیین نفی قطعیت این قاعده در اوضاع و شرایط اضطرار، به وفات امام کاظم (علیه السلام) در بغداد و حضور نداشتن امام معصوم بعدی یعنی علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برای تجهیز آن حضرت استناد می‌کند.^۲ وی همچنین به وفات علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در خراسان و حضور نداشتن امام جواد (علیه السلام) در طوس برای تولی تجهیز امام رضا (علیه السلام) استناد می‌کند^۳ (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۶).

شریف مرتضی در این رساله که با نام «مسئله فی من یتولی غسل الإمام (علیه السلام)»

۱. خبر واحد، خبری است که روایان آن به حد تواتر نرسد و نیز همراه با روایت، قرینه‌ای وجود نداشته باشد که قطع به صدور را در پی داشته باشد. به حد تواتر نرسیدن روایان حدیث، اعم از آن است که راوی یک نفر باشد یا چند نفر، زیرا در تعریف تواتر گفته می‌شود باید تعداد روایان به حدی باشد که احتمال کذب را از میان بردارد؛ بنابراین اگر روایان متعدد بودند ولی تعداد آن‌ها احتمال کذب را از میان نبرد، آن حدیث، خبر واحد تلقی می‌شود. خبر واحد دارای اقسامی است: خبر واحد مسند، خبر واحد غیر مسند، که خبر واحد مسند نیز خود به دو قسم تقسیم می‌شود: خبر واحد مسند معتبر، خبر واحد مسند غیر معتبر (جناتی، ۱۳۸۸ق: ۱۴۹، ۲۱۰).

۲. امام کاظم (علیه السلام) جد پنجم شریف مرتضی بود (النجاشی، ۱۴۱۸ق: ۲۷۰؛ یاقوت الحموی، ۱۹۹۳، ج ۴: ۱۷۲۸؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۵۶)، در نتیجه طبیعی به نظر می‌رسد که با توجه به قرابت اجدادی که شریف مرتضی با امام کاظم (علیه السلام) داشت، کیفیت غسل، کفن و دفن ایشان را از پدران خود سینه‌به‌سینه شنیده باشد.

۳. قد روت الشيعة الإمامية أن غسل الإمام والصلاة عليه موقوف على الإمام الذي يتولى الأمر من بعده، و تعسفوا لها فيما ظاهره بخلاف ذلك، و هذه الرواية المتضمنه لما ذكرناه واردة من طريق الأحاد التي لا يوجب علما ولا يقطع بمثلها. و ليس يتمتع في هذه الأخبار إذا صحت أن يراد بها الأكثر الأغلب، و مع الإمكان و القدرة، لأننا قد شاهدنا ما جرى على خلاف ذلك، لأن موسى ابن جعفر (علیه السلام) توفي بمدينة السلام و الإمام بعده علي بن موسى الرضا (علیه السلام) بالمدينة، و علي بن موسى الرضا توفي بطوس و الإمام بعده ابنه محمد بالمدينة، و لا يمكن أن يتولى من بالمدينة غسل من يتوفى بطوس، أو بمدينة السلام (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۶).

شناخته می‌شود (آقا بزرگ الطهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۰: ۳۹۵)، ضمن پذیرش ظهور معجزه بر دست ائمه اطهار (علیهم السلام)، از پذیرش انتقال معجزه گونه امام متولی تجهیز معصوم متوفی به شهر بغداد و طوس سر باز زده، بدان نیز پاسخ می‌دهد (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۷). موضع‌گیری مقتدرانه سیدمرتضی در این رساله در برابر مکتب نص‌گرای قم به میزانی چشم‌گیر است که بعضی از پژوهشگران معاصر، این رساله شریف مرتضی را نشان دهنده تلاش وی در پیراستن عقاید شیعی دانسته‌اند (محمی الدین، ۱۹۵۷: ۱۵۰). در برابر، از آنجا که این رساله با عواطف و علایق شیعی بعضی از محققان معاصر همسو نیست، کوشیده‌اند انتساب این رساله به سیدمرتضی را مورد تردید قرار دهند (الخطاوی، ۱۴۲۷ ق: ۱۹۱)؛ حال آنکه ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸ هجری) که فقیه، محدث، مفسر و از دانشمندان نامور علم رجال در قرن ششم است در کتاب «متشابه القرآن و مختلفه» افزون بر آنکه رساله مسئله فی من یتولی غسل الإمام (علیه السلام) را تألیف سیدمرتضی می‌داند، از آن نقل قول می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ ق، ج ۱: ۲۵۳). از دیگر دلایلی که گویای آن است که سیدمرتضی به قطعیت قاعده تجهیز امام معصوم متوفی به دست معصوم بعدی اعتقادی نداشت آن است که «زیارت ناحیه مقدسه»^۲ را که در آن آمده است: «السلام علی من دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى» را نه تنها روایت کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۸: ۳۲۸)، بلکه نزد ایشان این زیارت از دیگر زیارات معتبرتر بوده است؛ از این رو، شریف مرتضی به هنگام زیارت

۱. از آنجا که ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب آل أبی طالب» خود، روایت شیخ صدوق را درباره تجهیز امام رضا (علیه السلام) پذیرفته است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۴۰۴) و در نتیجه با نظر سید مرتضی در خصوص تجهیز امام رضا (علیه السلام) موافق نیست؛ پس از آنکه در کتاب دیگرش یعنی «متشابه القرآن و مختلفه» از رساله مسئله فی من یتولی غسل الإمام (علیه السلام) شریف مرتضی نقل قول می‌کند، کوشیده نظر سیدمرتضی را به استناد آیات ۴۰ سوره نمل و ۱ سوره اسراء نقد نماید (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ ق، ج ۱: ۲۵۳)، حال آنکه ابن شهر آشوب در همین کتاب مناقب آل أبی طالب نه تنها از تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام) سخنی به میان نمی‌آورد، بلکه بنی اسد را متولی تجهیز امام حسین (علیه السلام) معرفی می‌نماید (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۲۱). حقیقت آن است که برخلاف آنچه ابن شهر آشوب از رأی سیدمرتضی برداشت نموده است، باید گفت شریف مرتضی نه تنها با ظهور معجزه بر دست امام معصوم مخالف نیست، بلکه وی از برجسته‌ترین علمای امامی است که ظهور معجزه بر دست غیر انبیا اعم از ائمه معصوم و حتی بندگان صالح و مؤمنان فاضل را مبرهن و مستدل ساخته است و در برخی احوال و شرایط اطهار معجزه را بر ائمه معصومین واجب می‌داند (علم‌الهدی، ۱۴۱۱ ق: ۳۳۲). وی همچنین در کتاب «الشافی فی الإمامه» اشاره می‌کند که تصمیم دارد کتابی درباره آشکار شدن معجزه به دست غیر پیامبران بنویسد (علم‌الهدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۹۹-۲۰۰). درواقع، ایراد اساسی سیدمرتضی در این مسئله بیش از آنکه به طایفه الارض نمودن امام معصوم از باب اعجاز باشد، متوجه آن است که این روایت، خبر واحد است و موجب علم و یقین نمی‌گردد؛ در نتیجه نمی‌توان با قطعیت بدان استناد کرد و این روایت را در خصوص تجهیز همه اهل البیت (علیهم السلام) به صورت درستی به همه آن حضرات تعمیم داد (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۶).

۲. اصل صدور زیارت ناحیه، از سوی حضرت صاحب الامر (علیه السلام) در مصادر شیعه پذیرفته شده است. علمای نراز اول شیعه آن را به عنوان یک زیارت مأثور و حدیث مشهور در کتاب‌های خویش ذکر کرده‌اند که در این مختصر، مجال آن نیست بدان بپردازیم.

امام حسین (علیه السلام)، نخست این زیارت را می خواند و سپس زیارات دیگر را قرائت می کرد (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۲۱-۲۳۵؛ النوری الطبرسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۰: ۳۳۵).

۲-۳. ارزیابی دیدگاه مکتب قم و بغداد

شیخ صدوق دو خبر طولانی و متفاوت درباره چگونگی تجهیز امام رضا (علیه السلام) نقل کرده که طبق آن ها، امام جواد (علیه السلام) با قدرت الهی از مدینه به طوس رفته و پنهانی آن حضرت را غسل داد، کفن کرد و بر ایشان نماز خواند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ۲۴۲-۲۵۰). با آنکه نقطه اشتراک این دو خبر، حضور غیر عادی امام جواد (علیه السلام) برای تجهیز پدر است، قایلان اصل لزوم تجهیز، چارهای جز پذیرش یکی از دو خبر را ندارند؛ زیرا به لحاظ راوی و محتوا قابل جمع نیستند (حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

مؤلف کتاب «إثبات الوصية للإمام علي بن أبي طالب» درباره آمدن امام جواد (علیه السلام) خبری متفاوت از دو خبر شیخ صدوق نقل کرده است (المسعودی، ۱۴۰۹ق، ب: ۲۲۹). این که سه راوی مختلف یک ماجرا را به سه شکل متفاوت نقل کرده اند، عجیب می نماید! افزون بر آن که هر یک از سه راوی ادعا دارند، غیر از او، کسی از حضور امام جواد (علیه السلام) با خبر نشده و ایشان را ندیده است و بدین ترتیب یکدیگر را تکذیب کرده اند (حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). برخلاف مکتب قم، علمای مکتب بغداد همچون شیخ مفید و سیدمرتضی علم الهدی بدون تمسک به اخبار آحاد در خصوص تجهیز امام رضا (علیه السلام) و بدون آنکه خود را گرفتار تناقض سازند، حضور امام جواد (علیه السلام) را برای غسل، کفن، نماز و دفن امام رضا (علیه السلام) را نمی پذیرند. دلیل این عدم پذیرش آن نیست که آنان منکر طئ الارض نمودن امام معصوم از باب اعجاز باشند، بلکه از آن روست که این روایت، خبر واحد است و موجب علم و یقین نمی گردد (علم الهدی، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۶). ضمن این که آنان در گزارش های تاریخی، به هیچ گزارش متقنی که گویای حضور امام جواد (علیه السلام) در طوس برای تجهیز پدرش باشد، دست نیافته اند تا بدان استناد نمایند.

۴-۲. گزارش تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در مصادر تاریخی

با بررسی رویکرد و دیدگاه دو مکتب اصحاب الحدیث و متکلمان و محققان در خصوص تجهیز امام معصوم به صورت عام و در زمینه تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به صورت خاص، نوبت به آن می‌رسد تا با بررسی مصادر تاریخی روشن سازیم گزارش‌های تاریخی پشتیبان کدام یک از دیدگاه دو مکتب قم و بغداد است.

بررسی اختلاف مصادر در خصوص این که علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به مرگ طبیعی فوت شده یا مأمون وی را مسموم کرده است، در مجال این نوشتار نمی‌گنجد؛ آنچه به مسئله مورد بررسی این پژوهش ارتباط می‌یابد آن است که مصادر چه کسی را عهده‌دار غسل، کفن، نماز و دفن امام رضا (علیه السلام) معرفی می‌کنند؟

اگرچه بعضی مصادر تاریخی در خصوص این که چه کسی عهده‌دار غسل و کفن امام رضا (علیه السلام) گردید؟ سکوت کرده‌اند و فقط از این که مأمون بر جنازه امام رضا (علیه السلام) نماز میت خوانده و ایشان را نزد قبر پدرش هارون الرشید به خاک سپرده است سخن به میان آورده‌اند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۸: ۵۶۸؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ ق، ج ۸: ۴۲۴؛ المسعودی، ۱۴۰۹ ق، الف، ج ۳: ۴۴۱؛ مسکویه رازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۳: ۳۷۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰: ۱۱۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۶: ۳۵۱؛ ابن العبری، ۱۹۹۲ ق: ۱۳۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰: ۲۴۹؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶ ق، ج ۳: ۱۴)، اما در برابر، برخی مصادر دیگر این موضوع را پوشش داده‌اند. این مصادر روشن می‌سازند پس از آنکه مأمون محمد بن جعفر الصادق یعنی عموی امام رضا (علیه السلام) و گروهی از علویان را که در خراسان نزد وی بودند، حاضر نمود، دستور داد امام را غسل داده، کفن و حنوط نمایند (ابوالفرج اصفهانی: ۴۵۷-۴۵۸؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، الف، ج ۲: ۲۷۱؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ ق، ج ۱: ۲۳۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۳۴۴؛ اربلی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۸۰۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۳۰۹). از سیاق این روایت تاریخی چنین درک می‌شود که همان جماعت علویان که در رأس آنان عموی امام حضور داشت، پس از باخبر شدن از جریان وفات علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و حضور در طوس، عهده‌دار غسل، کفن و حنوط امام شده باشند. از بررسی

مصادری که سخن از دستور غسل، کفن و حنوط امام رضا (علیه السلام) توسط مأمون گفته‌اند، دو نکته روشن می‌شود:

نخست، آنکه همه این مصادر، روایت خود را از کتاب «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» شیخ مفید گرفته‌اند و نقل قول کامل این منابع، از اعتماد آنان به گزارش شیخ مفید حکایت دارد.

دوم، مصادری نظیر روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، إعلام الوری بأعلام الهدی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة که روایت شیخ صدوق را در خصوص تجهیز امام رضا (علیه السلام) به دست امام جواد (علیه السلام) نقل کرده‌اند (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ق، ج ۱: ۲۲۹-۲۳۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۴۱-۳۴۳؛ اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۸۴۶-۸۴۷)، روایت شیخ مفید را نیز درباره این که مأمون دستور غسل، کفن و حنوط امام رضا (علیه السلام) را داده، نقل می‌کنند (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ق، ج ۱: ۲۳۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۴۴؛ اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۸۰۵). این بدان معناست که گزارش شیخ مفید نیز نزد آنان معتبر است و چه بسا آنان نیز در خصوص تجهیز امام رضا (علیه السلام) همانند شیخ مفید و سیدمرتضی می‌اندیشیده‌اند. با این تفاوت که با رعایت جانب احتیاط، از اظهار نظر خویش به صورت مستقل امتناع نموده‌اند.

تاریخ ثبت کرده است که چون امام رضا (علیه السلام) به خراسان برده شد، هیچ‌یک از اعضای خانواده خود را به همراه خود نبرد و در آنجا تنها زندگی می‌کرد (المسعودی، ۱۴۰۹ق، ب: ۲۲۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۱۷-۲۱۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۳۶۹؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۳۴۹؛ اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۸۲۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۲۵). همچنین با بررسی مصادر تاریخی روشن می‌شود که هیچ‌یک از این مصادر به جز یک مصدر به حضور امام جواد (علیه السلام) در طوس برای دیدار پدرش از سال ۲۰۱ قمری که علی بن موسی الرضا (علیه السلام) وارد خراسان شد تا سال ۲۰۳ قمری که در طوس به دست مأمون مسموم شد، اشاره نکرده‌اند. تنها ابوالحسن علی بن زید (متوفی ۵۴۸ ق.) در کتاب تاریخ بیهق خود می‌نویسد: «و محمد بن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) که لقب او تقی بود از راه طیس مسینا دریا عبرت کرد که در آن وقت راه قومس مسلوک نبود و آن راه در عهدی نزدیک مسلوک

گردانیدند، بناحیت بیهق آمد و در دیه ششتمد نزول کرد، و از آنجا به زیارت پدر خویش علی بن موسی الرضا رفت فی سنة اثنتین و ثلاثین و مأتین» (بیهقی، ۱۳۶۱ق: ۴۶).

اگر این مسافرت آن گونه که صاحب تاریخ بیهق می گوید واقع شده باشد، باید در سال ۲۰۲ قمری بوده باشد نه در سال ۲۳۲ قمری که ابن فندق نوشته است؛ چه در این تاریخ، ۱۲ سال از رحلت امام جواد (علیه السلام) می گذشته است؛ بنابراین در اصل نسخه باید «اثنتین و مأتین» بوده باشد و لفظ «ثلاثین» در استنساخ به اشتباه زیاد گردیده باشد. دلیل دیگر ترجیح سال ۲۰۲ قمری برای سفر امام جواد (علیه السلام) به خراسان، بدان دلیل است که آمدن امام رضا (علیه السلام) به خراسان به اتفاق عموم مورخان سال ۲۰۱ قمری و شهادت آن حضرت در سال ۲۰۳ قمری بوده و حد فاصل این دو، سال ۲۰۲ قمری است که بر اساس گزارش برخی از مصادر مأمون در این سال دختر خود ام حبیب را به ازدواج امام رضا (علیه السلام) و دختر دیگر خود ام الفضل را به ازدواج امام جواد (علیه السلام) درآورد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۵۶۶؛ المسعودی، ۱۴۰۹ق الف، ج ۳: ۴۴۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۳۵۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۴۹).

با وجود این، اشاره بعضی از مصادر به این که مأمون دختر خود ام الفضل را در سال ۲۰۲ قمری به عقد امام جواد (علیه السلام) درآورد، نمی تواند به عنوان شاهد متقنی برای حضور امام جواد (علیه السلام) در این سال در خراسان قلمداد شود؛ زیرا از یک سو مصادر درباره سال به عقد درآمدن ام الفضل برای امام جواد (علیه السلام) اتفاق نظر ندارند، آن گونه که بعضی مصادر سال های ۲۰۴ قمری (یعقوبی، ج ۲: ۴۵۴) و ۲۱۵ هجری (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۶۲۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۲۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۴۱۷) را سال عقد و ازدواج امام جواد (علیه السلام) با ام الفضل ذکر کرده اند. از سوی دیگر، احتمالاً مأمون در سال ۲۰۲ قمری دختر خود را به نامزدی امام جواد (علیه السلام) درآورد است که در این صورت حضور امام جواد (علیه السلام) در خراسان نیز ضروری نبوده است. گزارشی تاریخی که درستی آن کاملاً محتمل است بیان می کند در سال ۲۱۵ قمری هنگامی که مأمون به تکریت وارد شد، امام جواد (علیه السلام) نیز از مدینه به بغداد رسیده بود. آن حضرت برای ملاقات با مأمون به شهر تکریت رفت و در

آنجا بود که ام الفضل به ازدواج امام درآمد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۶۲۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۲۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۴۱۷). شیخ مفید نیز در کتاب «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» زمان و مکان به عقد درآمدن ام الفضل برای امام جواد (علیه السلام) را بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) و در شهر بغداد می داند (مفید، ۱۴۱۳ق، الف، ج ۲: ۲۸۱-۲۸۸).

با توجه به این که ابن فندق روشن نساخته گزارش خود را در خصوص سفر امام جواد (علیه السلام) به خراسان از کدام مصدر گرفته است، به نظر می رسد وی بر اساس گزارش مصادر قبل از خود نظیر «تاریخ الأمم و الملوک و مروج الذهب و معادن الجواهر» که از عقد ام حبیب برای امام رضا (علیه السلام) و ام الفضل برای امام جواد (علیه السلام) در سال ۲۰۲ قمری توسط مأمون سخن به میان آورده اند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۵۶۶؛ المسعودی، ۱۴۰۹ق، الف، ج ۳: ۴۴۱)، چنین تصور کرده است که امام جواد (علیه السلام) در این سال به خراسان مسافرت کرده است. حال آنکه روایت این مصادر به صورت قطعی، دلالت بر حضور امام جواد (علیه السلام) در خراسان ندارد. از سوی دیگر ابن فندق توجه نداشته است که در سال ۲۰۲ قمری، امام جواد (علیه السلام) کودکی ۷ ساله بود که مسافرت از مدینه تا خراسان برای وی با این سن به شدت طاقت فرساست. شگفت تر آنکه از متن و سیاق گزارش ابن فندق چنین برداشت می شود که امام جواد (علیه السلام) به تنهایی این سفر را انجام داده است.

به فرض، ابن فندق تصور کرده باشد که امام جواد (علیه السلام) همراه با کاروان حضرت معصومه (علیها السلام) برای دیدار پدرش به ایران آمده است، باز این تصور نیز از اساس مردود است، چرا که حضرت معصومه (علیها السلام) در رأس یک قافله ۲۲ نفری متشکل از برادران خود همچون هارون بن موسی (علیه السلام) و دیگر علویان برای دیدار امام رضا (علیه السلام) رهسپار ایران گردید (تشید، ۱۳۳۱ق: ۱۶۱؛ العاملی، ۱۴۰۶ق: ۴۲۸)، اما هیچ مصدری حضور امام جواد (علیه السلام) را در این کاروان گزارش نکرده است. ضمن آنکه مأمون با اطلاع از ورود این قافله، دستور داد که بر افراد آن بتازند. مأموران مأمون نیز همه آنان را پراکنده و به قتل رساندند. حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) و برادرش هارون که قافله سالاران کاروان بودند نیز در پی این حمله به شهادت

رسیدند^۱ (بحر الأنساب، ۱۵۲۰۴: ۹۲؛ تشدید، ۱۳۳۱ق: ۱۶۱، ۱۶۸؛ روضاتی، ۱۳۷۶: ۵۶؛ القرشی، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۴۳۶؛ العاملی، ۱۴۰۶ق: ۴۲۸). بنابراین اگر امام جواد (علیه السلام) به همراه این کاروان وارد ایران شده بود، یا باید همانند دیگر کاروانیان به شهادت می‌رسید یا در بهترین فرض ممکن، ناچار برای حفظ جان خویش از دست مأمون و مأموران وی متواری و مخفی می‌گردید. از بررسی مصادر تاریخی روشن می‌شود که نه تنها امام جواد در سال ۲۰۳ قمری و برای تجهیز پدرش امام رضا (علیه السلام) به خراسان سفر نکرده، بلکه در هیچ یک از سالیان حیات خود (۲۲۰-۱۹۵ ق.) به خراسان سفر نکرده است؛ بنابراین گزارش‌های تاریخی نیز پشتیبان دیدگاه مکتب بغداد (متکلمان و محققان) در خصوص حضور نداشتن امام جواد (علیه السلام) هنگام وفات امام رضا (علیه السلام) در خراسان و در نتیجه عدم تجهیز امام رضا (علیه السلام) به دست امام جواد (علیه السلام) است.

۲-۵. ارجحیت دیدگاه مکتب بغداد

با بررسی دیدگاه مکتب قم و بغداد در خصوص تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و به پشتیبانی شهادت گزارش‌های تاریخی و دلیل عقلی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که دیدگاه مکتب بغداد از رُجحان بیشتری برخوردار است، چراکه مکتب بغداد ضمن آنکه اولویت تجهیز معصوم را به دست معصوم بعدی پذیرفته است، اما آن را به درجه‌ای از قطعیت ارتقا نداده است تا در صورتی که برای امام زنده در تجهیز امام متوفی موانع و محدودیت‌های به وجود آمد، همچنان خود را ملتزم و متعبد به این قاعده بدانند.

۱. تاریخ قم که از مصادر معتبر در این زمینه است، می‌نویسد: حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) که برای دیدار برادرش علی بن موسی الرضا (علیه السلام) سفر خود را آغاز کرده بود چون به ساوه رسید بیمار شد و پس از آنکه ایشان را به خواست خودش، به شهر قم منتقل کردند پس از ۱۷ روز در قم وفات یافت (ابن مالک اشعری، ۱۳۶۱ق: ۲۱۳). در صورتی که در نسخه خطی موجود از «بحر الأنساب» آمده است، امام‌زادگان ۲۳ نفر بودند که با حضرت معصومه (علیها السلام) از بغداد روی به ولایت قم نهادند؛ چون به شهر قم رسیدند ملحدان ساوه خبر یافتند، روی به شهر قم نهادند و با امام‌زادگان در آمدند و بسیار مجادله کردند آخر الامر حضرت فاطمه خاتون (علیها السلام) را در شهر قم شهید کردند (بحر الأنساب، ۱۵۲۰۴: ۹۲). همچنین صاحب بلدان الخلافة الشرقية می‌نویسد: چون حضرت فاطمه خواهر امام رضا (علیه السلام) میخواست به دیدار برادرش به خراسان رود در شهر قم مسموم گردید و وفات یافت (لسترنج، ۱۳۷۳ق: ۲۴۵). اگرچه موضوع حمله به کاروان حضرت معصومه (علیها السلام) و شهادت وی و برادرش هارون و دیگر همراهان‌شان محل تردید و در نتیجه بررسی آن خارج از حوصله این نوشتار است، اما موضوعی که در این پژوهش مطلوب ماست، اثبات عدم حضور امام جواد (علیه السلام) در کاروان حضرت معصومه (علیها السلام) است، خواه به کاروان ایشان حمله شده باشد یا حمله نشده باشد.

با تأکید مکتب قم بر تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم بعدی و توسعه و تعمیم دادن این قاعده به تمامی ائمه اثنا عشر، شیعیان در این خصوص جویای نظر سیدمرتضی شدند که برجسته‌ترین نماینده مکتب بغداد بود. شریف مرتضی روایاتی را که در این زمینه نقل شده بود، خبر واحد دانست و در پاسخ به پرسش شیعیان، این روایات را از اساس فاقد اعتبار کافی برای حصول علم و یقین شمرد و با فرض پذیرش صحت این دست از روایات آن‌ها را ناظر به زمانی دانست که امام عهده‌دار تجهیز، قدرت و امکان لازم را بر تولی این امر داشته باشد (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۶).

سید مرتضی با تنزل قاعده تجهیز معصوم از قطعیت به شرط قدرت و امکان برای تولی امر تجهیز امام متوفی، راه خُرده‌گیری مخالفان را بر آموزه‌های اعتقادی شیعیان بست. وی با مقید نمودن تولی تجهیز امام به دو شرط قدرت و امکان، با ارائه تفسیر عقلانی از روایت تجهیز امام متوفی به دست معصوم بعدی، نه تنها درستی اخبار آحاد را در این خصوص در بوته امکان قرار داد، بلکه راهی میانه در پیش گرفت و بر خلاف مکتب قم، برای توجیه اعتقادی این قاعده نیازی به ترجیح دلیل نقلی بر دلیل عقلی ندید، چرا که نزد سید مرتضی، اساساً دلیلی عقلی بر تغییرناپذیر بودن این قاعده وجود نداشت. سید مرتضی بر این باور بود که عدم تجهیز امام رضا (علیه السلام) به دست امام جواد (علیه السلام) موجب ایجاد خلل و نقص در مقام امامت الهی هیچ یک از این دو امام (علیه السلام) نمی‌گردد؛ چرا که امامت آنان به نص نبوی ثابت می‌شود (علم‌الهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۲۲؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۴۴-۱۴۵؛ علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۸۱؛ علم‌الهدی، ۱۳۷۳ق: ۸۱).

۱. اگرچه روایتی را که شیخ صدوق در خصوص تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل کرده است نزد سیدمرتضی خبر واحد بوده و تنها برای او مفید ظن بوده و در نتیجه علم آور نیست؛ با وجود این، به نظر می‌رسد آنچه در این روایت بیشتر توجه شریف مرتضی را به خود جلب کرده، آن قسمت از روایت است که امام رضا (علیه السلام) به هرثمه می‌گوید: چون مأمون به تو می‌گوید ای هرثمه آیا اعتقاد نداری که امام را جز امام غسل نمی‌دهد، حال چه کسی امام علی بن موسی الرضا را غسل می‌دهد در حالی که فرزندش محمد در حجاز است و ما در طوسیم؟ این گونه پاسخش را بده: ما معتقدیم که نباید امام را جز امامی مثل او غسل دهد، پس اگر کسی از این حکم تعدی کرد و امام را غسل داد، امامت امام به خاطر تعدی غسل دهنده باطل نمی‌شود و به خاطر این که امام بعدی در غسل دادن مغلوب شده است امامتش باطل نمی‌شود و اگر علی بن موسی در مدینه بود، پسرش محمد او را آشکارا و عیان غسل می‌داد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۴۶). به نظر می‌رسد دلیل اعتنای سیدمرتضی به این قسمت از روایت آن باشد که با توجه به این که حضور امام جواد (علیه السلام) برای تجهیز امام رضا (علیه السلام) در طوس، نزد سید مرتضی ثابت نشده است، وی به استناد همین بخش از این روایت، عدم تجهیز امام رضا (علیه السلام) به دست امام جواد (علیه السلام) را موجب ایجاد خلل و نقص در مقام امامت الهی هیچ یک از این دو امام (علیه السلام) نمی‌دانست.

دیدگاه مکتب بغداد، در عصر حاضر نیز می‌تواند در خصوص این پرسش که بر اساس قاعده «الْإِمَامُ لَا يَغْسِلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَيُّمَةِ (علیه السلام)» تجهیز حضرت صاحب الأمر (علیه السلام) را چه کسی برعهده می‌گیرد، پاسخی عقلانی و شرعی باشد. بدین معنا که اولویت تجهیز امام دوازدهم برعهده امام معصومی است که پس از «رجعت» حضور دارد؛^۱ اما چنانچه بنا به هر دلیلی امام حاضر، قدرت و امکان عهده‌داری تجهیز آن حضرت را نداشته باشد، تجهیز ایشان توسط دیگر عُدول مؤمنین صورت خواهد گرفت.

۳. نتیجه‌گیری

تجهیز امام معصوم متوفی به دست امام معصوم در قید حیات صرفاً یک مسئله فقهی نیست، بلکه از یک سو برای اثبات قطعیت یا عدم قطعیت قاعده «الْإِمَامُ لَا يَغْسِلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَيُّمَةِ (علیه السلام)» و از سوی دیگر برای حل موضوع تجهیز امام حسین، امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) آن گونه که تاریخ آن را گزارش کرده است خواه ناخواه پای علم حدیث و کلام نیز به میان کشیده می‌شود.

این مسئله از موضوعاتی بوده است که در سده‌های میانی اسلامی (قرن چهارم و پنجم قمری) نزد دو مکتب شیعی اهل الحدیث قم و مکتب محققان و متکلمان بغداد مورد مناقشه کلامی قرار گرفته است. دیدگاه مکتب قم در خصوص تجهیز امام متوفی، نص‌گرا و بر پایه احادیث بود، حال آنکه دیدگاه مکتب بغداد در این زمینه نیز مبتنی بر معرفت عقلی است.

شیخ صدوق برجسته‌ترین نماینده مکتب قم در خصوص تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با استناد به روایتی معتقد است امام جواد (علیه السلام) که در آن هنگام کودک بود و در مدینه اقامت داشت برای غسل پدر و اقامه نماز میت بر آن حضرت در طوس حضور یافت.

۱. از دیدگاه سیدمرتضی راه اثبات عقیده «رجعت»، با توجه به این که فی نفسه امر محالی نیست و مقدور خداوند سبحان است، اجماع امامیه بر وقوع آن است و اجماع به دلیل داخل بودن نظر امام معصوم در آن حجت است (علم الهدی، ج ۱: ۱۲۵-۱۲۶ و ۳۰۲-۳۰۳، ج ۳: ۱۳۵-۱۳۹).

در برابر سید مرتضی علم‌الهدی، برجسته‌ترین نماینده مکتب بغداد این روایت را خبر واحدی می‌داند که موجب علم نمی‌گردد و حضور امام جواد (علیه السلام) را در طوس برای تولی تجهیز امام رضا (علیه السلام) نمی‌پذیرد.

از بررسی مصادر تاریخی روشن می‌شود که نه تنها امام جواد در سال ۲۰۳ قمری و برای تجهیز پدرش امام رضا (علیه السلام) به خراسان سفر نکرده، بلکه در هیچ یک از سال‌های حیات خود (۲۲۰-۱۹۵ ق.) به خراسان سفر نکرده است؛ بنابراین گزارش‌های تاریخی نیز پشتیبان دیدگاه مکتب بغداد (متکلمان و محققان) در خصوص حضور نداشتن امام جواد (علیه السلام) هنگام وفات امام رضا (علیه السلام) در خراسان و در نتیجه عدم تجهیز امام رضا (علیه السلام) به دست امام جواد (علیه السلام) است. از سیاق گزارش‌های تاریخی چنین فهمیده می‌شود که ظاهراً متولی تجهیز امام رضا (علیه السلام) عموی ایشان محمد بن جعفر الصادق (علیه السلام) بوده است.

سیدمرتضی با تنزل قاعده تجهیز معصوم از قطعیت به شرط قدرت و امکان برای تولی امر تجهیز امام متوفی، راه خُرده‌گیری مخالفان را بر آموزه‌های اعتقادی شیعیان بست. وی با مقید کردن تولی تجهیز امام به دو شرط قدرت و امکان، با ارائه تفسیر عقلانی از روایت تجهیز امام متوفی به دست معصوم بعدی، عقیده امامیه را به دور از افراط و تفریط روشن کرد. دیدگاه مکتب بغداد، در عصر حاضر نیز می‌تواند در خصوص این پرسش که بر اساس قاعده «الْإِمَامُ لَا يُغْسَلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ (علیهم السلام)» تجهیز حضرت صاحب الامر (علیه السلام) را چه کسی برعهده می‌گیرد، پاسخی عقلانی و شرعی باشد.

منابع و مآخذ

- آقابزرگ الطهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالأضواء.
- ابراهیم، فؤاد. (۱۴۳۳ق). *الفقیه و الدولة الفكر السیاسی الشیعی (بحث فقهی تاریخی)*. بیروت: دار المرتضی.
- ابن اثیر، علی بن محمد الجزری. (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.
- ابن اعثم، ابو محمد احمد. (۱۴۱۱ق). *الفتوح*. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالأضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۳۲ق). *الإعتقادات*. تحقیق و تعلیق مؤسسه الإمام الهادی. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه الإمام الهادی.
- (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا*. تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- (۱۳۷۶ق). *الأمالی*. چاپ ششم. تهران: نشر کتابچی.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر. (۱۴۱۱ق). *جواهر الفقه*. تحقیق ابراهیم بهادری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن الجوزی، علی بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). *لسان المیزان*. بیروت: دار الفکر.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی. (۱۴۱۹ق). *الثاقب فی المناقب*. تحقیق نبیل رضا عطوان. چاپ سوم. قم: انصاریان.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۶۹ق). *مشابه القرآن و مختلفه*. قم: دار بیدار للنشر.
- (۱۴۱۲ق). *مناقب آل ابی طالب*. تحقیق یوسف البقاعی. الطبعة الثانية. بیروت: دارالأضواء.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۴ق). *مقتل الحسین المسمی باللہوف فی قتلی الطفوف*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- (۱۴۱۶ق). *مصباح الزائر*. تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- (۱۴۲۰ق). *طرف من الأنباء والمناقب*. تحقیق قیس بهجت العطار. مشهد: تاسوعا.
- ابن عبدالوهاب، حسین بن عبدالوهاب. (بی تا). *عیون المعجزات*. قم: مکتبه الداوری.
- ابن العبری، غریغوریوس الملطی. (۱۹۹۲م). *تاریخ مختصر الدول*. تحقیق انطون صالحانی السعوی. الطبعة الثالثة. بیروت: دارالشرق.
- ابن العماد، عبدالحی بن احمد. (۱۴۰۶ق). *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*. تحقیق الأرناؤوط. دمشق: بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷ق). *البدایه و النهایه*. بیروت: دارالفکر.
- ابن مالک اشعری، حسن بن محمد. (۱۳۶۱ق). *تاریخ قم*. ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی. تصحیح و تحشیه جلال الدین طهرانی. تهران: انتشارات توس.
- ابن المشهدی، محمد بن جعفر. (۱۳۷۸ق). *المزار الکبیر*. تحقیق جواد القیومی الأصفهانی. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه، مؤسسه النشر الإسلامی.
- أبوالصلاح الحلبي، تقی الدین بن نجم. (۱۴۰۳ق). *الکافی فی الفقه*. تحقیق رضا استادی. اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
- (۱۴۰۴ق). *تقریب المعارف*. تحقیق فارس الحسون. قم: الهادی.

- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین. (بی تا). *مقاتل الطالبيين*. تحقیق سید احمد صقر. بیروت: دار المعرفه.
- ابومخنف، لوط بن یحیی. (۴۰۸ق). *مقتل الحسین و مصرع أهل بيته وأصحابه فی كربلاء*. الکویت: مکتبه الألفین.
- اربلی، علی بن عیسی. (۴۲۱ق). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*. قم: انتشارات رضی.
- بحر الأنساب. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۱۵۲۰۴.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۴۱۳ق). *مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، علی بن زید. (۱۳۶۱ق). *تاریخ بیهقی*. تصحیح و تعلیق احمد بهمنیار. مقدمه نویس میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: کتابفروشی فروغی.
- تشید، علی اکبر. (۳۳۱ق). *هدیه اسمعیل (قیام سادات علوی برای بدست آوردن خلافت)*. تهران: بنگاه مجله تاریخی اسلام.
- جتاتی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۸). *مصادر اجتهاد از منظر فقیهان*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- حافظ البرسی، رجب بن محمد. (۴۲۲ق). *مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين (علیه السلام)*. تحقیق علی عاشور. بیروت: الأعلمی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۴۲۵ق). *إثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*. بیروت: الأعلمی.
- حسینیان مقدم، حسین و گودرزی، ابراهیم. (۱۳۹۶). *بازشناسی حدیث «الإمام لا یغسله إلاّ الإمام» در گفت‌وگو با امامیه*. فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث. سال ۲۲. شماره ۴. صص: ۱۰۲-۱۲۲.
- الخطاوی، وسام. (۴۲۷ق). *المناهج الزوائیه عند شریف المرتضی*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- الخوارزمی، الموفق بن احمد. (۴۱۸ق). *مقتل الحسین*. تحقیق محمد السماوی. تصحیح دار انوار الهدی. قم: منشورات انوار الهدی.
- دینوری، احمد بن داود. (۳۶۸ق). *الأخبار الطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر. قم: منشورات الرازی.
- رازی قزوینی، عبدالجلیل. (۱۳۵۸ق). *تقض (بعض مثالب النواصب فی تقض بعض فضائل الروافض)*. تصحیح میر جلال الدین محدث. تهران: انجمن آثار ملی.
- راوندی، قطب الدین. (۴۰۹ق). *الخرائج والجرائع*. تحقیق مؤسسه الإمام المهدی. قم: مؤسسه الإمام المهدی.
- روضاتی، سید محمد علی. (۱۳۷۶ق). *جامع الأنساب (خاندان‌های سادات موسوی)*. اصفهان: چاپخانه جاوید.
- السبحانی، الشیخ جعفر. (۱۲۴۴ق). *معجم طبقات المتکلمین*. تقدیم و اشراف جعفر سبحانی. قم: مؤسسه الإمام الصادق.
- الشامی، جمال الدین بن یوسف (۴۲۰ق) *الدرر النظیم فی مناقب الأئمة اللهمم*. تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی. قم: جامعه مدرسین.
- الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۴۱۳ق). *الملل والنحل*. تحقیق أحمد فهمی محمد. الطبعة الثانية. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شیخ بهائی، محمد بن الحسین. (۳۹۰ق). *الوجیزة فی علم الدراية*. قم: مکتبه بصیرتی.
- الصفار، محمد بن الحسن. (۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- صلاة الجمعة. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۱۲۸/۴.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. چاپ سوم. تهران: اسلامیه.
- طبری آملی، محمد بن جریر. (۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*. تحقیق قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثة. الطبعة الحديثة. قم: بعثت.
- طبری، محمد بن جریر. (۳۸۷ق). *تاریخ الأمم والملوک*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. الطبعة الثانية. بیروت: دار التراث.

- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی الفقه الإمامیه*. تحقیق سید محمد تقی الکشفی. الطبعة الثالثة. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- _____ (بی تا). *الفهرست*. تصحیح و تعلیق السید محمد صادق آل بحر العلوم. النجف: المکتبه المرتضویه.
- العاملی، سید جعفر مرتضی. (۱۴۰۶ق). *الحیة السیاسیة للإمام الرضا*. بیروت: دار الأضواء.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق هاشم رسولی محلاتی. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
- عطائی نظری، حمید. (۱۳۹۷). «نگاهی به ادوار و مکاتب کلامی امامیه در قرون امامیه». *مجله آینه پژوهش*. سال بیست و نهم. شماره سوم. مرداد و شهریور. صص: ۵۶-۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۷ق). *المستجد من کتاب الإرشاد*. تحقیق محمود البدری. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- علم الهدی، سید مرتضی. (بی تا). *رسائل الشریف المرتضی*. تقدیم و اشراف السید احمد الحسینی. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- _____ (۱۳۷۳ق). «الأصول الاعتقادیة». صص: ۷۹-۸۲. *نفائس المخطوطات*. المجموعه الثانيه. تحقیق محمد حسن آل یاسین. بغداد: دار المعارف.
- _____ (۱۳۷۶ق). *الذریعة الى اصول الشریعة*. تصحیح ابوالقاسم کرجی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۴۱۰ق). *الشافی فی الإمامه*. تحقیق و تعلیق السید عبدالزهراء الحسینی. تصحیح السید فاضل المیلانی. الطبعة الثانيه. تهران: مؤسسه الصادق للطباعة والنشر.
- _____ (۱۴۱۱ق). *الذخیره فی علم الکلام*. تحقیق السید احمد الحسینی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- _____ (۱۴۱۹ق). *شرح جمل العلم والعمل*. تصحیح و تعلیق یعقوب جعفری. تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- _____ (۱۴۳۱ق). *تفسیر الشریف المرتضی (نفائس التأویل)*. تصحیح السید مجتبی احمد الموسوی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- فتال نیشابوری، محمد بن أحمد. (۱۳۷۵ق). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. قم: منشورات الشریف الرضی.
- فضل الله، محمد جواد. (۱۳۹۳ق). *الإمام الرضا (علیه السلام) تاریخ و دراسة*. قم: دار الكتاب الإسلامی.
- القُرشی، باقر شریف. (۱۴۳۱ق). *حیاه الإمام موسى بن جعفر (علیه السلام) (دراسة وتحلیل)*. تحقیق مهدی باقر القُرشی. الکاظمین: العتبة الکاظمیة المقدسة.
- القمی، عباس. (۱۳۷۹ق). *منتهی الآمال فی تواریخ النبی والاکل*. قم: دلیل ما.
- کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. تحقیق عبدالله نعمه. قم: دار الزخائر.
- الکلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. الطبعة الرابعة. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- لسترنج، کی. (۱۳۷۳ق). *بلدان الخلافة الشرقیة*. نقله إلى العربیة و أضاف إليه تعلیقات بلدانیة و تاریخیة و أثریه و وضع فهرسه بشیر فرنسیس و کورکیس عواد. بغداد: مطبعة الرابطة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. الطبعة الثالثة المصححة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تحقیق هاشم رسولی محلاتی. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- محی الدین، عبدالرزاق. (۱۹۵۷). *أدب المرتضی من سیرته و آثاره*. بغداد: مطبعة المعارف.

- مدرسی طباطبائی، سید حسین. (۱۳۶۸). مقدمہ ای برفقہ شیعہ (کلیات و کتابشناسی). مترجم محمد آصف فکرت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- المسعودی، علی بن الحسین. (۱۴۰۹ق الف). مروج الذهب و معادن الجواهر. تحقیق أسعد داغر. الطبعة الثانية. قم: دار الهجرة.
- _____ . (۱۴۰۹ق ب). إثبات الوصية للإمام علی بن أبیطالب (علیه السلام). الطبعة الثانية. بیروت: دار الأضواء.
- مسکویه رازی، احمد بن محمد. (۱۴۲۴ق). تجارب الأمم و تعاقب الهمم. تحقیق سید کسروی حسن. بیروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق الف). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
- _____ . (۱۴۱۳ق ب). التذکرة بأصول الفقه. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
- _____ . (۱۴۱۳ق ج). تصحيح اعتقادات الإمامية. الطبعة الثانية. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
- _____ . (۱۴۳۴ق). المزار الكبير. تحقیق أحمد علی مجید الحلّی. قم: منشورات مكتبة العلامة المجلسی.
- النجاشی، أحمد بن علی. (۱۴۱۸ق). رجال النجاشی. تحقیق السيد موسى الشبیری الزنجانی. قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم.
- النوری الطبرسی، الشيخ حسین. (۱۴۱۱ق). مُستدرک الوسائل و مُستنبط المسائل. تحقیق مؤسسة آل البيت (علیہ السلام) لإحياء التراث. الطبعة الثانية. بیروت: مؤسسة آل البيت (علیہ السلام) لإحياء التراث.
- یاقوت الحموی، یاقوت بن عبد الله. (۱۹۹۳). معجم الأدباء إرشاد الأرب إلى معرفة الأديب. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار الغرب الإسلامي.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.